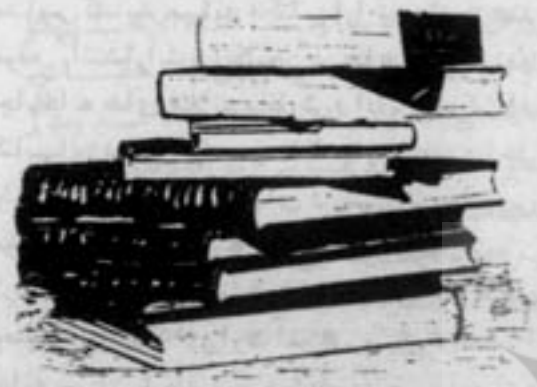


آنهارا برای خلقهایی که برای آزادی اجتماعی و ملی مبارزه می کنند بر ملا ساخته است. بیجهت نیست که ورشکستگی کامل نظریات مائوئیستی از وضع کنونی جهان برپایه ی به اصطلاح نظریه "سه جهان"، حتی کسانی را که مدتها ی طولانی از پکن حمایت میکردند مجبور میکند که با این نظریات مرزبندی کنند. همراه با انتقاد از تئوری مائوئیستی "سه جهان" در مقاله "زری ای پوپولیت" نظریات ویژه ی رهبری آلبانی در ساره ی وضع کنونی جهان بیان شده و همچنین تحریفات معمولی تبلیغات آلبانی علیه سیاست اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی تکرار شده است.

از انتشار مقاله ی فوق الذکر "زری ای پوپولیت" شروع شده است. از جمله در گزارش کمیته ی مرکزی حزب کارآلبانی به کنگره ی هفتم این حزب در سال ۱۹۷۶ تاکید شده است که اینگونه تقسیم جهان خلصت طبقاتی نیروهای سیاسی مختلف را مخدوش میکند و هدفش اینست که با دامن زدن به "اغتشاش ایدئولوژیک" به مبارزه ی نیروهای مترقی لطمه وارد سازد.

تئوری مائوئیستی "سه جهان" از جانب تمامی جنبش معاصر انقلابی و آزاد بیخشی ملی طرد شده است.

اعمال سیاسی پکن در عرصه ی جهان نه تنها تحلیل های نظری مائوئیستها، بلکه همچنین اهداف ضد انقلابیست



کتابهای درسی،

یک رسوائی دیگر در بار

غلت که بود کتابهای درسی چیست؟
 تاد و سال پیش کتابهای درسی را چند چاپخانه دار سر - شناس تهران، که از این راه سرمایه ای کلان اند و ختنند، در شرکتی بنام "شرکت چاپ کتابهای درسی" چاپ میکردند. اگرچه کار آنها، که هر بار باند و بستهای پشت پرد و با وزارت آموزش و پرورش صورت میگرفت، رضایت بخش نبود، با اینحال کتاب را خوب باید، سرموقع، حتی چه بسیار قبل از شروع سال تحصیلی تحویل میدادند.

با افزایش نسبی دانش آموزان تیراژ کتابهای درسی بالا رفت و همراه با آن سود گردانندگان این شرکت سال بسال بیشتر شد. در بار پهلوی، که برای کشف منابع سود، شاهه ی بسیار تیزی دارد، توانست از میلیونها تومان پولی که هر سال از راه چاپ کتابهای درسی به جیب چنسد سرمایه دار بزرگ سرازیر میشد، چشم ببوشد، لذا بسایک اشاره، در سال ۱۳۵۴، "شرکت چاپ کتابهای درسی" بدست وزارت آموزش و پرورش منحل شد و در بار چون مار روی این گنج چمبر زد.

در این سال، وزارت آموزش و پرورش، باین بهانه که گویا با افزایش قیمت کتابهای درسی موافق نیست (کاری که هر سال با آن موافقت کرده بود)، شرکت مذکور را منحل کرد و ناگهان کار کتابهای درسی را به "سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی" - سازمان اشرف پهلوی - داد.

اشرف نیز برای اینکه در اطراف این "کارکوچک" - چا

سال تحصیلی پایان یافت. منوچهر کنجی وزیر آموزش و پرورش اعتراف میکند:

"با اینحال تا آخرین روزی که کلاسها دایر بود، کتابهای درسی نرسید."

خبرنگار "آیندگان" از او میپرسد:

- چرا؟

او خوشتر جواب میدهد:

- چه میدانم! قول و قرارها هیچکدام اجرا نشد.

- پس این برویچه ها... چه خواندند؟ اینها برای امتحان چه خواهند کرد؟ فکر نمیکنید، گناه عدم موفقیت آنها بگردن شماست؟

- بگردن من؟ (او بیخیال میخندد) چرا من؟ چاپخانه ها تقصیر دارند.

چاپخانه ها؟! آیا برآستی گناه که بود کتابهای درسی بگردن چاپخانه هاست؟

چند سالی است که کتابهای درسی سر وقت بدست دانش آموزان نمیرسد. در اطراف این موضوع همواره جنجالی برپاست. روزنامه ها نیز ساکت نیستند. وزارت آموزش و پرورش هر سال قول میدهد که "سال بعد مسئله ای بنام مسئله ی کتابهای درسی وجود نخواهد داشت". ولی هر بار، با آغاز سال تحصیلی، که بود کتاب، همراه با دیگر مسایل آموزشی که بود جا، که بود آموزگار، که بود دبیر، سطح نازل آموزش در همه ی مراحل تحصیلی، مطرح میشود.

سی، چهل میلیون جلد کتاب درسی و ۵۰ - ۶۰ میلیون تومان سود خالص آن - سروصداراه نیفتد، انتشارات فرانکلین و شرکت چاپ افست را، که در رأس هردوی آنها فک و فامیل خود او - از جمله همزاهدی، خواهرارد شیر زاهدی و داریوش همایون شوهر او، منیژه همسر شاهپور غلامرضا و شهباز، همسر شمس پهلوی، قرار دارند، شریک خود کرد و بایک اخطار شدید به گردانندگان شرکت سابق چاپ کتابهای درسی، که پیرامون "خدمات" خود بسمه "فرهنگ" کشور در روزنامه هاسروصداراه انداخته بودند، آنها را برای همیشه از میدان بدر کرد.

در سال ۱۳۵۴، چاپ ۴۰ میلیون جلد کتاب درسی را بین "موسسه انتشارات فرانکلین" و "شرکت چاپ افست" تقسیم کردند. این دو شرکت قول دادند تا آغاز مهرماه، که مدارس گشایش میابد، کتابها را تحویل دهند. در این موقع انتشارات فرانکلین در ظاهر تمام سهم خود را به چاپخانه های فنلاند سفارش داد و "شرکت افست" چاپ کتابهای درسی را بین ۲۷ چاپخانه ای داخلی تقسیم کرد ولی قبل از اینکه کتابهای درسی زیر چاپ برود، هردو موسسه پیشبهای به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان درخواست کردند. سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی "مامور" وصول این پول از وزارت آموزش و پرورش شد. این وزارت خانه پس از ۴ ماه، با وساطت فرح پهلوی، موافقت کرد که این پول بحساب اشرف ریخته شود. از طرف دیگر وزارت آموزش و پرورش نیز برای آنکه چیزی از دست نداده باشد، با آغاز سال تحصیلی، در حالیکه هنوز قسمت بیشتری از کتابهای درسی چاپ نشده بود، به شاگردان مدارس فشار آورد که هر یک بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ تومان بابت کتابهایی که در آینده تحویل خواهند گرفت، بپردازند. شایع است که از این راه، در سال ۱۳۵۴، ۷۰۰ میلیون تومان جمع آوری شده است که وزارت آموزش و پرورش، با قبول ۲۰ میلیون تومان ضرر!، آنرا به حساب ۱۰۰ میلیون تومانی گذاشته است که به اشرف پهلوی تحویل داده بوده. ولی سوداگران درباری هم پول را گرفتند و هم کتاب کافی در دسترس دانش آموزان قرار ندادند. در سال ۱۳۵۴ از مجموع ۴۰ میلیون کتاب درسی که باید چاپ میشد، دو شرکت مذکور فقط ۴ میلیون و ۲۱۰ هزار و ۱۲۹ جلد کتاب یعنی حدود یک دهم تعداد مقرر، تحویل انبار دادند. در سال ۱۳۵۵، وزارت آموزش و پرورش بایک قرارداد جدید (قرارداد ۱۸۱ یاه) باردیگر شرکت مذکور را مامور چاپ کتابهای درسی کرد. در موقع عقد قرارداد جدید، از عدم اجرای موافقت نامه ای سال پیش و اینکه کتاب بدست دانش آموزان نرسیده است، هیچگونه صحبتی بمیان نیامد. زیرا مسایل کهنه، بویژه اگر پای دربار در میان باشد، اصلا قابل بحث نیست، یعنی کسی جرأت بحث آنرا ندارد. نتیجه اینکه هم خر رفته بود و هم پول! ولی موافقت نامه ای

جدید نیز چون موافقت نامه ای ۱۳۵۴ اجرا نشد. با اینکه در قرارداد اقد شده بود که شرکت افست و انتشارات فرانکلین تا پایان مرداد ۱۳۵۵، یکماه قبل از آغاز سال تحصیلی، ۴۵ میلیون جلد کتاب درسی به انبارهای وزارت آموزش و پرورش تحویل خواهند داد، ولی تا پایان سال اکثریت شاگردان مدارس بدون کتاب ماندند. در این سال نیز فقط ۶ میلیون و ۳۶۰ هزار و ۱۶۹ جلد کتاب تحویل انبارهای وزارت آموزش و پرورش داده شد.

باتشدید اعتراض مردم، بویژه جوانان، به وضع آشفته کتابهای درسی و ثروتی که هر سال از این راه ایادی دربار میاندوزند، در فروردین ماه امسال، شاه باتظاهر باینکه از این کثافتکاری و رسوایی بتنگ آمده است (!)، حسین فردوست رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی "رامامور" رسیدگی به این کار کرد. بلافاصله بدستور فردوست "کمیسیونی" مأمور رسیدگی به چاپ کتابهای درسی شد. پس از چند ماه اعضای این کمیسیون سرانجام گزارشی را برای قرائت در "کمیسیون شاهنشاهی"، که در روز ۲۱ خرداد ۱۳۵۶ در کاخ سعدآباد تشکیل شد، تنظیم کردند. در این گزارش، باتوجه به کمبود کتابهای درسی و توزیع بدان، از وزارت آموزش و پرورش، که گویا "مساعی لازم را برای حل این مسئله بکار نبرده است"، "انتقاد" بعمل آمد!

در جلسه ای بعد، وزیر آموزش و پرورش به پاسخگویی پرداخت و اعتراف کرد:

"مادر سال ۱۳۵۴ شرکت چاپ کتابهای درسی را منحل کردم (چرا؟ دلیلش را نگفت) بعد کار چاپ کتابهای درسی را به موسسه انتشارات فرانکلین و چاپ افست سپردم (نام گردانندگان آنرا نیاورد) این دو شرکت باید هر سال قبل از شروع سال تحصیلی کتابها را تحویل میدادند ولی ندادند (!)، بطوریکه حتی سال پیش - تا اسفند ماه ۱۳۵۵ - (یعنی ۵ ماه بعد از شروع سال تحصیلی) هنوز نیم بیشتری از کتابها تحویل داده نشده بود."

در سال ۱۳۵۵ برای سال تحصیلی ۱۳۵۶ با اتحادیه چاپخانه داران و کتابفروشان وارد مذاکره شدیم که آنها هم در چاپ کتابهای درسی شریک شوند. قرارداد ۱۱۶ چاپخانه کتاب درسی چاپ کنند ولی بعد معلوم شد این اتحادیه هم فقط به ۱۶ چاپخانه سفارش چاپ کتاب داده است. ۰۰۰ (هر که پولش بیش زورش بیشتر)

اینست که میبینید هنوز هم که هنوز است با اینکه سال تحصیلی پایان یافت، کتابهای درسی نرسیده است. ادعا میکنند تا ده سال دیگر میخواهند ایران را در ریغ پنج کشور اول جهان قرار دهند!! رژیم که قادر نیست برای شاگردان مدارس خود، که تازه نیم کتری از کودکان و جوانان واجب التعلیم کشور را تشکیل میدهند، کتاب درسی چاپ کند (با اینکه از هر جلد کتاب

بیشترمانه ۲۰ تا ۲۵ ریال استفاده میکند) ، فردا چگونه قادر خواهد بود معضلات متعدد فرهنگی ، علمی ، فنی و صنعتی بفرنج و پیچیده را حل کند ؟

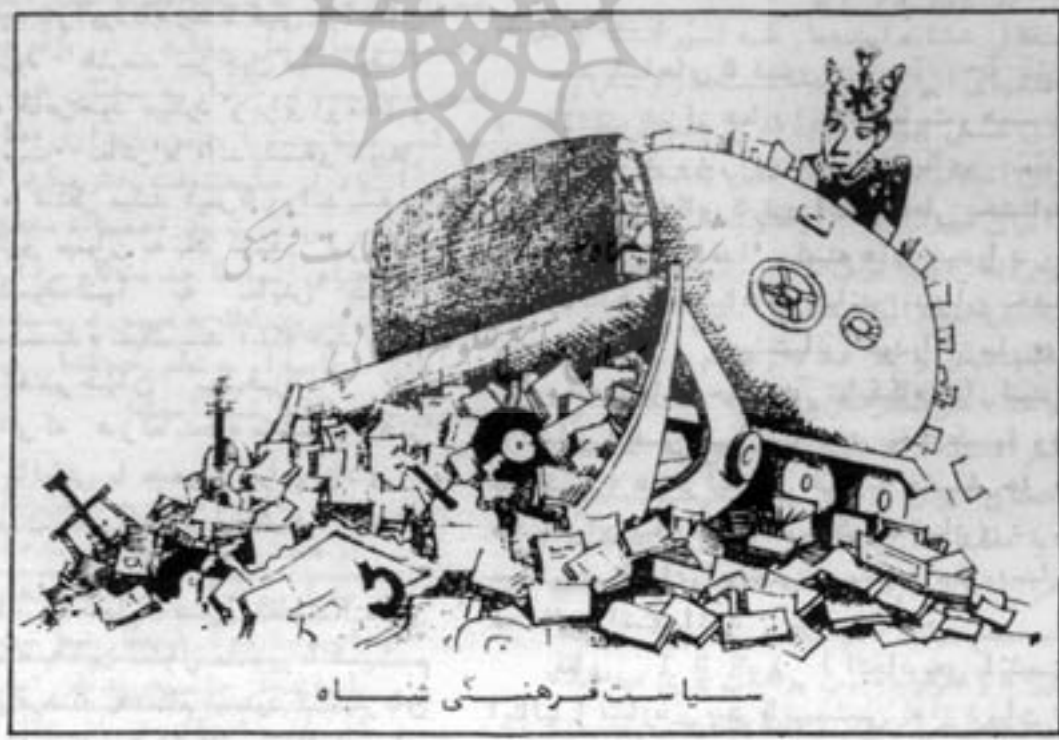
در سال ۱۳۵۴ ، در بین جاروجنجالی که بر سر چاپ کتابهای درسی میان گردانندگان شرکت سابق چاپ کتابهای درسی و وزارت آموزش و پرورش رویداد ، معلوم شد که این شرکت هر سال از راه چاپ ۲۰ ، ۲۵ میلیون جلد کتاب درسی ، ۳۰ تا ۳۵ میلیون تومان سود میبرد . است . در همین سال ، وقتی کار چاپ کتابهای درسی به اشرف و دارودستی او واگذار شد ، آنها نه فقط میزان چاپ کتابهای درسی را به حداقل تقلیل دادند ، بلکه با پیش برداختی که از دانش آموزان گرفتند ، نه فقط میزان این سود را دو برابر کردند ، بلکه مخارج چاپ بیش از سی میلیون جلد کتاب را هم بجا بردند .

اگر سرمایه داران سابق کتاب را چاپ میکردند و بسا قیمت کزافی که روی آن میگذاشتند ، جیب دانش آموزان فقیر کشور را خالی میکردند ، در این دو سال دربار پهلوی ، بدون آنکه حتی کتاب بدست جوانان بدهد ، آنها را لخت کرده است . نویسی میلیارد هاد لا رشوه خواری از راه فروش نفت ، خرید

اسلحه ، دادن وام و انواع امتیازهای سود آور به انحصارهای داخلی و خارجی ، برای این زالوها کافی نیست ، که حتی چشم بجا بپوشد تنهس خانواده های زحمتکش و فرزندان آنها د وخته اند تنها بهره ای ۷۰ میلیون تومان پول کتابهای درسی ، که سال پیش دارودستی اشرف از جوانان و کودکان مردم گرفتند و به دست آنها کتاب ندادند ، يك قلم ۵۰۰ ، ۵۰۰ ، ۳ تومان است . ببینید این " حامیان فرهنگ " با فرهنگ ما چه میکنند .

در برابر این واقعیت ، این غارتگری آشکار ، حتی از راه چاپ کتابهای درسی ، چگونه میتوان از ته دل ، فریاد مرگ برخاندان فاسد پهلوی نکشید . يك لحظه بیاندیشید ! چشمان خسریم خاندان پهلوی را دیگر هیچ چیز جز خاک کور بر نمیکنند . آموزش و پرورش ایران را باید از دست خاندان فاسد پهلوی خارج کرد . اصلاً افراد این خانواده های غارتگر ، فاسد ، عیاش و رشوه خوار را ، که حتی يك نفر آنها ، حتی خود شاه ، مسند و مدار تحصیلی درست و حسابی در دست ندارند ، به فرهنگ و آموزش و پرورش کشور ما چه کار ؟

زمان آن رسیده است که این رژیم را با فساد ی که برپهنه می مین ما گسترده است ، دفن کنیم .



سیاست فرهنگی شاه